



المیزان؛ مرجعی برای فهم روش‌شناسی تفسیر فقهی

رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم با بیان این که المیزان دریایی از «فقه القرآن» را در خود جای داده، اظهار کرد: می‌توان استفاده‌های بسیاری از این تفسیر در حوزه مباحث فلسفه فقه، روش‌شناسی تفسیر فقهی و تبیین نظام‌های فقهی و مبانی آنها داشت.

رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم با بیان این که المیزان دریایی از «فقه القرآن» را در خود جای داده، اظهار کرد: می‌توان استفاده‌های بسیاری از این تفسیر در حوزه مباحث فلسفه فقه، روش‌شناسی تفسیر فقهی و تبیین نظام‌های فقهی و مبانی آنها داشت.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدصادق یوسفی مقدم، رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) درباره معارف فقهی موجود در المیزان اظهار کرد: یکی از نکاتی که در بیان علامه طباطبایی در حوزه فقه‌القرآن مشاهده می‌شود، این است که ایشان بیان می‌کند که دین مبین اسلام، دینی است که تمام آنچه را که انسان در زندگی خود به آن نیاز دارد، برآورده می‌کند: «هو الدین الوحيد الذی احصى جميع ما يتعلق به حياة الانسان من الشئون و الاعمال؛ هرچه که زندگی انسان بدان نیاز دارد، همه را دین مبین اسلام احصاء کرده است».

وی احصاء و برطرف کردن جميع نیازهای انسان را از جمله ویژگی‌ها و خصوصیات فقه اسلامی و فقه قرآنی از نظر علامه طباطبایی دانست و افزود: مقصود علامه قطعاً این نیست که تمام احکام برای موضوعات جزئی که ما اکنون بدان نیاز داریم یا برای حوادث پیشامد و حوادث واقعه، قرآن برای تمام این‌ها بالفعل حرف دارد؛ بلکه مقصود ایشان این است که اگر انسان به قرآن مراجعه کند، به مبانی و قواعدی دست پیدا می‌کند که می‌توانند حکم‌ساز باشند و در هر موضوعی که پیش می‌آید، برای تبیین حکم آن موضوع راهکار در اختیار فقیه قرار می‌دهد.

حجت‌الاسلام یوسفی‌مقدم در تشریح این مطلب خاطرنشان کرد: علامه طباطبایی پس از ذکر این مطلب می‌گوید: بر همین اساس است که در فقه قرآنی و اسلامی اعمال و شئون به دو قسم طبیات و خبائث تقسیم شده و خداوند طبیات را حلال و خبائث را حرام کرده است. علامه بحث مفصلی در تعریف طیب و خبیث ارائه کرده و بر آن است که احکام شریعت بر اساس همین طبیات و خبائث، صادر می‌شوند.

رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم افزود: علامه در بیان دیگری معتقد است که فقه اسلامی و قرآنی دارای ظرفیتی است که هیچ فقهی نمی‌تواند معادل آن قرار بگیرد: «ولا يعادله فی تفصیل القوانين المشرعة ای شریعة دینیة و قانون اجتماعی». ایشان بر آن است که در تفصیل قوانین شرعی نیز هیچ شریعتی همسان شریعت اسلام نیست و این تفصیل قوانین شرعی را نه در تورات و نه در انجیل نمی‌توان مشاهده کرد.

این محقق و قرآن‌پژوه، نسخ جميع احکام شاق برای امت‌های گذشته را به عنوان یکی دیگر از ویژگی‌های فقه اسلامی و قرآنی از منظر علامه طباطبایی برشمرد و تصریح کرد: علامه معتقد است که فقه اسلامی و فقه قرآنی جميع احکام شاق برای امت‌های گذشته را نسخ کرده است. همچنین قرآن کریم تمامی بدعت‌هایی را که احبار و رهبان (علمای یهود و نصاری) به عنوان احکام در دین قرار داده بودند، نفی و نهی کرده است.

حجت‌الاسلام یوسفی‌مقدم بیان کرد: علامه این خصایص را جزء ویژگی‌های فقه قرآنی می‌داند و بر آن است که ما در هیچ فقهی این ویژگی‌ها را ملاحظه نمی‌کنیم. اولاً فقه اسلامی و فقه قرآنی ناظر به تمام نیازهای مجتمع انسانی است و ثانیاً فقه قرآن، فقهی است که دارای تفصیلی است و تفصیل نیازهای انسان را در بر دارد و نکته بعدی این که دین مبین اسلام تمام احکام شاقی که علمای ادیان گذشته به وجود آورده‌اند، نسخ کرده است.

رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم بحث کیفیت دوام تکالیف شرعی را یکی از مباحث مطرح شده از سوی علامه طباطبایی در حوزه فلسفه فقه برشمرد و خاطرنشان کرد: کیفیت دوام تکالیف شرعی درباره این مطلب بحث می‌کند که چرا احکام استمرار پیدا می‌کنند و به چه دلیل حکم شرعی که از جانب خداوند بیان می‌شود، باید استمرار یابد.

وی افزود: مرحوم علامه در اینجا بحث فطرت انسانی و انطباق احکام شرعی با فطرت انسان و سپس بحث انطباق فطرت انسان با نظام تکوین را مطرح می‌کنند و یک نوع انطباق و تلائمی بین احکام شرعی و نظام تکوین به وجود می‌آورند که نظام تکوین بر اساس نظام علت و معلول است و بر همین اساس ضرورت دارد که آنچه را خداوند به عنوان احکام شرعی بیان کرده است، در دامنه تاریخ زندگی انسان استمرار پیدا کند.

یوسفی مقدم:

علامه طباطبایی معتقد است که فقه قرآنی جمیع احکام شاق برای امت‌های گذشته را نسخ و همچنین تمامی بدعت‌هایی را که احبار و رهبان (علمای یهود و نصاری) به عنوان احکام در دین قرار داده بودند، نفی و نهی کرده است. حجت‌الاسلام یوسفی مقدم بحث «؛نظام های فقهی» را از دیگر نکات مورد توجه علامه طباطبایی در المیزان خواند و اظهار کرد: علامه گرچه تفصیل فراوانی درباره این موضوع نداده‌اند، ولی بر این نکته تأکید دارند که باید نظام‌های فقهی را از قرآن کریم استخراج کنیم و قرآن کریم این ظرفیت را دارد که ما نظام فقهی اقتصادی، نظام فقهی سیاسی، نظام فقهی تربیتی و دیگر نظام‌های فقهی گوناگون را که مجتمع انسانی نیازمند بدان‌هاست، از قرآن استخراج کنیم.

وی ادامه داد: استخراج نظام‌های فقهی از قرآن نیز ضرورتاً به معنای این نیست که بالفعل این نظام‌های فقهی در قرآن وجود دارد؛ بلکه به معنای این است که برخی از موضوعات و بسیاری از مبانی که برای حوزه بحث‌های مربوط به نظام‌های فقهی لازم است، در قرآن کریم وجود دارد و ما می‌توانیم از این ظرفیت عظیم برای تدوین نظام‌های فقهی قرآنی استفاده کنیم.

نویسنده کتاب «؛بررسی دیدگاه‌ها درباره اختصاصات پیامبر خاتم(ص) از نگاه قرآن» در بخش دیگری از سخنان خود گفت: مرحوم علامه بر اساس همین دیدگاه که احکام شرعی اسلامی و قرآنی احکام منطبق بر فطرت انسانی هستند. بر اساس همین دیدگاه ایشان هنگام پرداختن به مباحث «؛ناسخ و منسوخ»، بحث نسخ را به معنای آن نمی‌دانند که حکم دیگری آمد و جایگزین حکم قبلی شد و آن را نسخ کرد؛ بلکه نسخ را به معنای پایان آمد خود آن حکم می‌دانند.

وی دانست و عنوان کرد: علامه طباطبایی می‌گوید: «؛فحقیقة الحکم المنسوخ أنه حکم ذو امد خاص لطایفة من الناس فی زمن خاص»؛ معنای نسخ این است که زمان این حکم به پایان رسید، نه به این معنا که این حکم ادامه داشت، اما حکم دیگری جایگزین این حکم شد. به بیان دیگر بر اساس نیاز فعلی بشر، در زمان خاصی و برای طایفه خاصی جعل شد و اگر نسخ شد، بدان معنا نیست که ظرفیت و استمرار داشت و بعد نسخ شد.

حجت‌الاسلام یوسفی مقدم با اشاره به تشریح مباحث مربوط به مسئله نسخ از سوی علامه طباطبایی در جلد 18 المیزان (ص 29 تا 31) اظهار کرد: از منظر علامه طباطبایی معنای این که برخی از احکام در شرایع گذشته نسخ شده‌اند، این است که آن حکم آمد، اقتضاء و ظرفیتش به پایان رسید و دیگر اقتضائی برای بقاء ندارد؛ نه این که حکم دیگری آمد و حکم دارای ظرفیت و اقتضاء گذشته را از بین برد.

وی در پایان سخنان خود با بیان این که تفسیر المیزان علامه بزرگوار طباطبایی دریایی از معارف فقهی، البته در معنای عام و «؛فقه القرآن»، را در خود جای داده است، تصریح کرد: ما می‌توانیم استفاده‌های بسیاری از المیزان در حوزه مباحث فلسفه فقه، روش‌شناسی تفسیر فقهی و تبیین نظام‌های فقهی و مبانی آنها استفاده کنیم.